



سعید عسگرزاده
فعال اقتصادی

سرمایه‌گذاری نسبت مستقیمی با عامل ریسک دارد، بنابراین هر حوزه‌ای که ریسک بیشتری دارد، سرمایه‌گذاری در آن کمتر اتفاق می‌افتد. با نگاهی به پشت‌سر باید گفت؛ متأسفانه سرمایه‌گذاری در بسیاری از زمینه‌های مرتبط با تولید در سال گذشته افت داشت که خطر بزرگی را به خود به‌همراه آورد و سرمایه‌ها را از بخش تولید به حوزه‌های غیرمولد منتقل کرد، در نتیجه شرایط سختی در وضعیت معیشت عمومی ایجاد شد. این شرایط در بخش معدن به‌مراتب پیچیده‌تر و سخت‌تر از سایر بخش‌ها بود، چراکه از اساس، معدن صنعتی با ریسک بالاست و این عامل در آن نقش اساسی را بازی می‌کند، طبیعی است که باتوجه به اینکه اتفاق خاصی در زمینه مدیریت ریسک بخش معدن نیفتاد، سرمایه‌گذاری در این بخش هم به حداقل رسید. متأسفانه با شرایط موجود، چشم‌انداز چندان روشنی هم پیش‌روی ما نیست و دلیل عمده آن این است که شاهد تغییری جدی در نگرش نظام مدیریتی کشور نسبت به موضوع معدن نیستیم و برنامه‌ای اصولی برای کاهش ریسک معدنکاری نداریم و از سوی دیگر هم مشوقی برای سرمایه‌گذاری در حوزه تولید و کسب و کار دیده نمی‌شود و این‌ها همه دست به‌دست هم داده است تا چشم‌انداز امسال چندان روشن نباشد و به‌طبع در کنار آن شرایط برای بخش معدن سخت‌تر از سال قبل به‌نظر برسد. مشکل از آنجایشه گرفته است که نوع نگاه نظام مدیریتی معدنی کشور به بخش معدن با هر آنچه در سایر کشورهای دنیا اتفاق می‌افتد، متفاوت است و این نوع نگاه که مباحث تولیدی و به‌ویژه موضوع پرسیک معدن را در کنار بقیه فعالیت‌های اقتصادی مانند تجارت و... ببینند، قطعاً شرایط را برای سرمایه‌گذاری سخت خواهد کرد. بدیهی است که وقتی بخش‌های مولد که اساس توسعه هر کشوری به‌شمار می‌رود، مورد توجه قرار نگیرد آسیب‌های آن در کوتامعدن، بلندمدت و بلندمدت بر اقتصاد کل کشور نمود خواهد داشت. معدن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین صنایع مولد و محرک سایر فعالیت‌های صنعتی و تجاری است، بنابراین طبیعی است که بقیه بخش‌های اقتصادی کشور را هم تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. ما اگر توانیم در زمینه معدن مزیت نسبی برای کشور ایجاد کنیم و این بخش را توسعه ندهیم، قاعدتاً تمام صنایع پایین‌دستی که بر مبنای این مزیت نسبی بنا شده‌اند، دچار افت خواهند شد و به‌نظر می‌رسد نیازمند تغییری جدی در بخش معدن هستیم و باید قوانین به نفع این بخش اصلاح شود. ما انتظار داشتیم که شرایط رو به بهبود برود، اما در قوانین و بخشنامه‌ها ببینیم که نگاه به بخش معدن این است که هر آنچه می‌توان، از بخش معدن درآمذایی کرد و نشانی از برنامه‌ریزی برای توسعه امروز و فردای این بخش به چشم نمی‌خورد. به‌نظر من، دولت به‌تنهایی نمی‌تواند کار خاصی انجام دهد و باید نوع نگرش تمامی ذی‌نفعان و کسانی که در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا دخالت دارند، به بخش معدن تغییر کند و نگاهی مثبت و توسعه‌افزین به این بخش ایجاد شود. اما متأسفانه امروز نگاه توسعه‌ای به این بخش وجود ندارد و طبیعی است که چنین رویکردی منجر به توسعه، ثبات و جذب سرمایه‌گذاری نمی‌شود. اگر معدن را به‌عنوان یک بخش مولد قبول داریم، نباید تلاش کنیم در کوتامعدن حاکم‌تر بهره‌مکن را از این بخش به‌دست آوریم. جذب سرمایه در شرایطی اتفاق می‌افتد که کشور برنامه مدونی برای این بخش داشته باشد و برای اثرگذاری آن در توسعه کشور برنامه داشته باشد. باید مولفه‌های مهم شناسایی شوند و ریسک‌ها کاهش پیدا کنند و در این صورت، نیازی نیست کار خاصی انجام گیرد تا سرمایه‌گذاران ترغیب و وارد گود شوند، زیرا سرمایه خود می‌داند کجا برود، بهتر است و حتی در منابع دیگر هم شرایط به همین ترتیب است. در بسیاری از موارد ما به‌اشتباه فکر می‌کنیم که باید برنامه‌هایی برای ترغیب سرمایه‌گذار داشته باشیم یا نقدینگی را به‌سوی بخش تولیدی هدایت کنیم؛ هدایت در حالی که از اساس نیازی به این قبیل امور نیست و تنها کافی است که ریسک‌های این بخش کمتر شود و شرایط بخش‌های تولیدی، به‌ویژه بخش معدن شفافیت پیدا کند و به‌این ترتیب سرمایه خودبه‌خود جذب می‌شود، اما تا زمانی که این تصمیمات اتخاذ نشوند و تغییراتی صورت نگیرد و به‌ویژه مطالبات‌مان از بخش معدن به‌صورت نقدی باشد، این مشکلات هم وجود خواهند داشت.

ویژه

سیده حمیده زرآبادی:

کاربران هزینه‌سگینی برای استفاده از اینترنت می‌پردازند

یک نماینده سابق مجلس با اشاره به سیاست کلی و نوع‌نگاه حاکم بر مدیریت فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در ایران، اظهار داشت: متأسفانه به نظر می‌رسد سیاست و راهبرد کلی در مدیریت فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی غیر ایرانی، محدودسازی است. سیده حمیده زرآبادی با اشاره به وضعیت مشابه پیام‌رسان‌ها و پلتفرم‌های داخلی گفت: البته مشکلاتی که کاربران در استفاده از این پلتفرم‌ها و پیام‌رسان‌های داخلی با آن مواجه هستند، متفاوت از مشکل‌هایی است که نسبت به نمونه‌های مشابه خارجی وجود دارد. این در حالی است که به رغم حمایت گسترده و حتی وام‌های هنگفتی که در مقاطع گوناگون به این پلتفرم‌های داخلی تریق شد، اما در مجموع شاهد موفقیت چشمگیری برای این پلتفرم‌ها و پیام‌رسان‌های داخلی هم نبودیم. وی افزود: بنابر شواهد و قرائن، سیاست و رویکرد کلی حاکمیت در مدیریت فضای مجازی مبتنی بر ایجاد محدودیت برای پلتفرم‌های خارجی است. این نماینده پیشین مجلس ادعان کرد: صرف‌نظر از بحث فیلترینگ و محدودیت در دسترسی کاربران، کیفیت دسترسی کاربران نیز قابل‌قبول نیست. امروز در شرایطی که علاوه‌بر کسب‌وکارهای دیجیتال، حتی بسیاری از کسب‌وکارهای سنتی نیز با تغییر مشی و سیاست به‌سوی فضای مجازی و برخط پیش رفته و می‌روند، سرعت اندک و کیفیت بسیار ضعیف اینترنت، مانع جدی در مسیر فعالیت کاربران است. زرآبادی همچنین با انتقاد نسبت‌به هزینه‌گراف استفاده از اینترنت در ایران در قیاس با اغلب نقاط جهان، تصریح کرد: کاربران ایرانی در حالی هزینه اقتصادی سنگینی برای استفاده از اینترنت می‌پردازند که حتی اینترنت باکیفیتی نیز در اختیار ندارند، باعث شده، حتی نتوانند در باره آینده‌شان در این حوزه با اطمینان تصمیم‌گیری کنند.

حسن بهشتی‌پور در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

بازنده توافق

ایران و عربستان

اسرائیل است

توافق ایران و عربستان می‌تواند به پیمان‌های امنیتی بیشتر در منطقه منجر شود

روابط با عربستان باعث رابطه بهتر ایران با بحرین و کویت نیز خواهد شد

توافق ایران و عربستان، امنیت منطقه را افزایش خواهد داد

بن‌سلمان تمایل دارد رابطه ایران و عربستان بهبود پیدا کند

ایران و عربستان به‌رغم تفاوت‌هایی می‌توانند همکاری مشترک داشته باشند

رضایت آمریکا، نافی موفقیت چین در منطقه خاور میانه نیست



آرمان ملی – احسان انصاری: از سرگیری رابطه ایران و عربستان چه تأثیری در معادلات منطقه خاور میانه خواهد داشت؟ عربستان و ایران به‌رغم رویکردهای متفاوتی که دارند چگونه می‌توانند در زمینه‌های مختلف همکاری‌های مشترک داشته باشند؟ آیا شرایط برای این همکاری‌های مشترک فراهم است. «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با حسن بهشتی‌پور، تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. بهشتی‌پور معتقد است: «بهبود در روابط با عربستان باعث بهتر شدن روابط اقتصادی و راهبردی با امارات و کویت و شاید حل مشکلات با بحرین شود. در میان این کشورها به خصوص امارات برای ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. دامنه وسیعی از واردات ماشین‌آلات، اقلام مصرفی و... حتی بخشی از ارز مورد نیاز ایران از طریق امارات تأمین می‌شود و بهبود روابط با امارات می‌تواند دستاوردهای اقتصادی قابل توجهی برای ایران داشته باشد. در خصوص کویت هم ایران هر چند به‌مرحله قطع روابط نرسیده بود، اما باید قبول کرد که به دلیل مشکلات با عربستان، روابط ایران و کویت هم چندان گرم نبوده است. حل مشکلات با عربستان به ایران کمک می‌کند تا دور تازه‌ای از مناسبات را با کویت، امارات و بحرین آغاز کند». در ادامه محصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

با هم همکاری کنند بلکه برعکس منافع مشترک بسیاری دارند.

◀ در روزهای اخیر اخباری مبنی بر نقش بن‌سلمان در توافق ایران و عربستان منتشر شده است. به نظر شما بن‌سلمان چه نقشی در این زمینه داشته است؟

محمد بن‌سلمان شروع کارش در ۲۰۱۵ زمانی بود که با دو سه موضوع مهم مواجه شد؛ برجام، حمله به یمن و حمله به سفارت عربستان در ایران؛ بنابراین بسیار مهم است که دقت کنیم این سه عامل باعث قطع روابط شد و در این شرایط محمد بن‌سلمان نقش کلیدی داشت، زیرا با توجه به کهرلوت سن پدرش تمامی امور به دست او بود و با وجود همه اصلاحات داخلی که انجام داد و عملکرد قابل توجهی در پروژه‌های اقتصادی داشت، اما در سیاست خارجی اشتباه‌های بسیاری را انجام داد. از جمله حمله به یمن و قتل خاشقچی که باعث تخریب چهره عربستان شد. اکنون عربستان از یسکو با

چین و روسیه همکاری دارد و از سوی دیگر با آمریکا کار می‌کند و تلاش می‌کند از این روابط و همکاری‌ها، بیشترین بهره را برای منافع کشورش به دست بیاورد و بدش هم نمی‌آید روابطش با ایران را هم بهبود بخشد و تنش‌ها را کم کند. عربستان انتظار دارد با عادی‌سازی روابط با ایران، گشایشی هم در یمن برایش ایجاد شود تا اگر دولتی در صنعا مستقر می‌شود، حتی موفق عربستان نباشد، دست کم مخالف هم نباشد. حالا باید ببینیم این عادی‌سازی موجب گسترش همکاری میان دو کشور می‌شود یا اینکه مخالفان این توافق مانع‌سازی خواهند کرد. نکته دیگر در این زمینه امنیت اقتصادی برای عربستان بود. اینکه ریاض مدام در حال تهدید باشد باعث می‌شود سرمایه‌گذاران کمتری وارد این کشور شوند در حالی که اگر تهدیدی نباشد، سرمایه‌گذاری با خیال آسوده‌تری در این کشور رخ می‌دهد. **▶ با توجه به توافق ایران و عربستان و توافقی که در سفر اسفند ماه گروسی به تهران بین ایران و آژانس صورت گرفت به چه میزان این احتمال وجود دارد که زمینه‌احیای برجام بیشتر از گذشته فراهم شده باشد؟**

توافق ایران و عربستان یکی از گره‌های سیاست خارجی ایران بود که باز شد. به هر حال این اتفاق می‌تواند روی فضای منطقه‌ای و بین‌المللی برای احیای برجام تأثیر بگذارد. از سوی دیگر به نظر من مذاکرات بین آژانس و تهران به نتیجه رسیده است و فرمولی حاصل شده که براساس آن ایران پاسخ سئوالات آژانس را بدهد. اگر توافقی بین ایران و آژانس حاصل شود و آژانس نیز رسماً اعلام کند پاسخ‌هایش را گرفته است قطعاً این مسأله گره بزرگی از مذاکرات برجامی باز خواهد کرد. اسفند ماه گذشته این امکان وجود داشت که کار مذاکرات برجامی تمام و توافق نهایی شود، اما همین ماه کوربین ایران و آژانس جلوی تحقق توافق را گرفت. حال اگر این گره کور باز شود می‌توان به از سرگیری مذاکرات برجامی خوشبین بود. یک سال پیش شرایط برای توافق مهیا بود که این اتفاق نیفتاد، حالا پس از گذشت یک سال به نظر می‌رسد زمینه برای یک مذاکرات جدید مهیا شده است، اما حصول توافق سه شرط دارد. اول آنکه مذاکرات ایران و آژانس نهایی شود. ثانیاً طرفین برای احیای برجام انعطاف بیشتری از خود نشان بدهند و ثالثاً رسماً طرف آمریکایی تأیید کند آمادگی لازم را برای از سرگیری مذاکرات از نقطه توقف دارد. در چنین شرایطی می‌توان نسبت به احیای برجام در آینده خوشبین بود.

بهبود قرار بگیرد. بدون تردید حل مشکلات با عربستان باعث بهبود روابط ایران با برخی کشورهای منطقه هم خواهد شد. ایران در میان کشورهای خلیج فارس با قطر و عمان روابط خوبی دارد و این روابط کمتر تحت تأثیر روابط با عربستان بوده است اما روابط ایران با بحرین، کویت و امارات قطعاً تحت تأثیر مناسبات ارتباطی با عربستان بوده است. **◀ آیا این احتمال وجود دارد که رابطه ایران با بحرین، کویت و امارات نیز به واسطه توافق ایران و عربستان تقویت شود؟**

بدون تردید بهبود در روابط با عربستان باعث بهتر شدن روابط اقتصادی و راهبردی با امارات و کویت و شاید حل مشکلات با بحرین شود. در میان این کشورها به خصوص امارات برای ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. دامنه وسیعی از واردات ماشین‌آلات، اقلام مصرفی و... حتی بخشی از ارز مورد نیاز ایران از طریق امارات تأمین می‌شود و بهبود روابط با امارات می‌تواند دستاوردهای اقتصادی قابل توجهی برای ایران داشته باشد. در خصوص کویت هم ایران هر چند به مرحله قطع روابط نرسیده بود، اما باید قبول کرد که

رژیم صهیونیستی از بابت عادی‌سازی مناسبات آسیبی می‌بیند، بنابراین از این بهبود روابط ناراحت است. چرا که طی سال‌های اخیر این رژیم از طریق ایران هراسی توانسته بود، منافع سرشاری کسب کند. اسرائیل از طریق همکاری با آمریکا به وسیله ایران هراسی توجه کشورهای عربی را به خود جلب کرد و توانست پروژه‌های مورد نظر خود را پیش ببرد. اساس طرح صلح ابراهیم ایران هراسی بود و اسرائیل به بهانه دشمنی با ایران توانست روابط نزدیکی با کشورهای عربی و غیرعربی در منطقه شکل بدهد. بر این اساس امروز نزدیکی روابط ایران با عربستان، باعث ناخشنودی اسرائیل می‌شود. ایران و عربستان به عنوان کشورهای مهم منطقه به همکاری‌های خودشان در عین رقابت ادامه خواهند داد. البته این بهبود به معنای پایان یافتن همه مشکلات در روابط دو کشور نیست، اما گام رو به جلویی است که می‌تواند دستاوردهایی هم داشته باشد. باید منتظر باشیم تا پس از روابط دیپلماتیک میان دو کشور سایر بخش‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، نظامی و... هم در مسیر

خلیج فارس تبدیل شود و کمک کند کشورهای دیگر خلیج فارس با یکدیگر یک پیمان امنیتی مشترک ببندند. در چنین شرایطی ضربه تهدید کم می‌شود. آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها از تعارضات عربستان و ایران و کشورهای منطقه استفاده کردند برای اینکه اولاً برای اسرائیل، مشروعیت بخشی کنند و ثانیاً سلاح بفروشند همانطور طی ۵ ساله گذشته کشورهای غربی بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار سلاح به برخی کشورهای منطقه فروختند. نکته دیگر اینکه ایران و عربستان می‌توانند همکاری‌هایی در زمینه کمک به جهان اسلام داشته باشند، چراکه دو کشور قدرتمند مسلمان با دوایدئولوژی کاملاً متفاوت و دو رویکرد و برداشت متفاوت از اسلام هستند، اما این رویکردها و برداشت‌های متفاوت نباید بدین معنا باشد که این دو کشور نتوانند

به‌طور طبیعی ایران و عربستان هم منافع مشترک و هم اختلاف نظر یراقابت دارند. بنابر این به‌رغم اینکه دو نظام کاملاً متفاوتی هستند و هیچ شباهتی هم ندارند، اما همکاری آنها به نفع کشورهای منطقه از جمله یمن است. یمن درگیر جنگ ناخوابه‌ای است که متأسفانه عربستان، امارات و متحدانش بر این کشور به نفع کشورهای منطقه و نزدیک به ۸ سال است که از این درگیری می‌گذرد اگرچه در حال حاضر در یمن آتش بس است، اما در موازاتی نقض آتش بس را نیز شاهد بودیم

نگره

چین چگونه در خاور میانه ظهور کرد؟

چین از نزدیکی کنونی ایران و عربستان حمایت می‌کند تا از خلأ استراتژیک ایجاد شده ناشی از تمایل بارها اعلام شده آمریکا برای کاهش نقش خود در منطقه استفاده کند. چین به عنوان کشوری که خود را یک قدرت بزرگ رقیب ایالات متحده می‌داند مشتاق است کنترل منابع کلیدی جهانی را که از آبراه‌های خلیج فارس می‌گذرد و برای امنیت اقتصادی پکن حیاتی هستند در دست بگیرد. در غیاب حضور فعال آمریکا شانس میانجیگری برای حصول توافق و معامله بین قدرت‌های پیشرو در منطقه یک گام بزرگ در نفوذ و اعتباری برای پکن با پرداخت هزینه‌ای نزدیک به صفر است. پکن مشتاقانه به دنبال نقش جدید خود به عنوان یک دلال قدرت منطقه‌ای است. اخبار مربوط به توافق عربستان و ایران پس از سفر رسمی «شی جین پینگ» رئیس‌جمهور چین به پادشاهی سعودی در ماه دسامبر از نزدیک دنبال شد. هدف شی از آن سفر آغاز روند جانشینی چین به جای آمریکا به عنوان شریک اصلی امنیتی و تجاری ریاض بود. چینی‌ها با میانجیگری برای برقراری روابط با ایران موفق شده‌اند ارزش بالقوه خود را در این نقش نشان دهند. این واقعیت که چین در حال حاضر در ریاض میز مذاکره را اداره می‌کند بدان معنا نیست که رهبران آن کشور از احترام بیشتری نزد حاکمان سعودی برخوردار هستند. این به سادگی بدان معناست که هم اکنون چین شریک حاضر است. در حالی که به نظر می‌رسد ایالات متحده دور شدن از منطقه را ترجیح می‌دهد و ظاهراً روی تهدید چین تمرکز کرده چینی‌ها برای رقابت با ایالات متحده و حفظ منافع خود به سمت منطقه چرخش می‌کنند. با انجام این کار پکن به ریاض یک معامله ساده پیشنهاد می‌کند: از همکاری با ما در زمینه‌های دفاعی، هوافضا، صنعت خودرو، بهداشت و فناوری بهره‌برداری و مهم‌تر از همه نفت خود را به ما بفروشید و هر تجهیزات نظامی‌ای را که می‌خواهید از کاتالوگ ما انتخاب کرده و خریداری کنید در عوض شما ما کمک خواهیم کرد تا بازارهای جهانی انرژی را تثبیت کنیم. به عبارت دیگر، چینی‌ها معامله‌ای را به سعودی‌ها پیشنهاد می‌کنند که به نظر می‌رسد از توافق آمریکا و عربستان الگوبرداری شده است تا زمانی که سیاستگذاران آمریکایی تحت رهبری اوباما توافق هسته‌ای با ایران را پیشنهاد کرد که ساختاری را برای خروج سریع آمریکا از منطقه و پایان دادن به تعهدات نظامی پرهزینه آن کشور از جمله در مورد جنگ عراق ایجاد کرد. به‌رغم آنکه به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به نظر می‌رسید منطقه با هیچ جایگزینی برای ایالات متحده باقی گذاشته شده چین اکنون به یک رقیب قدرت بزرگ برای ایالات متحده به خصوص در عرصه تجارت تبدیل شده است. تولید ناخالص داخلی چین در یک‌دهه گذشته افزایشی تقریباً دو برابری داشته و به بیش از ۳۰ تریلیون دلار رسیده و آن کشور را به یکی از بزرگ‌ترین، سریع‌ترین و جذاب‌ترین بازارهای جهان تبدیل کرده است.

◀ چین و خلأ قدرت آمریکا در منطقه

با رشد بازارهای داخلی چین تجارت آن کشور با خلیج فارس نیز رشد کرده است. در سال ۲۰۲۱ میلادی واردات چین از عربستان سعودی بالغ بر ۵۷ میلیارد دلار بود در حالی که امروز چین ۱۸ درصد از نیاز خود به نفت خام را از پادشاهی سعودی تأمین می‌کند و هنوز هم فضای فوق العاده‌ای برای رشد و افزایش این فضای تجارت وجود دارد. در همین حال، صادرات چین به عربستان سعودی در سال ۲۰۲۱ به ۳۰ میلیارد دلار رسید این رقم با افزایش سفارشات تجهیزات پتروشیمی، صنعتی و نظامی که پادشاهی سعودی پیش‌تر از تأمین‌کنندگان آمریکایی به‌دست آورده بود به راحتی می‌تواند به میزان دو برابر افزایش یابد. در همین حال، روابط تجاری چین با ایران برای اقتصاد آن کشور اهمیت بیشتری دارد. چین نفت ایران را می‌خرد و در ایران سرمایه‌گذاری می‌کند، زیرا آن کشور با تحریم‌های آمریکا مواجه است. تجارت چین به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران و منبع اصلی ورود ارز خارجی به آن کشور است. تمام سیستم‌های عربستان سعودی آمریکایی هستند. در اغلب موارد به‌ویژه در مورد سلاح‌های پیشرفته و سیستم‌های صنعتی بزرگ تجهیزات ایالات متحده همچنان برتر از تجهیزات چینی هستند. پادشاهی سعودی به‌ازگی قراردادی ۲۷ میلیارد دلاری با بوئینگ به منظور خرید هواپیما برای شرکت هواپیمایی ریاض ایر امضا کرده است. ایالات متحده همچنان به عنوان یک شریک استراتژیک ضروری برای ریاض ارزش‌گذاری و قلمداد خواهد شد. بنابر این، توافق اخیر نشانه‌ای از چرخش عربستان به سمت چین یا جایگزینی آن کشور با آمریکا به عنوان یک شریک استراتژیک نیست بلکه نشان‌دهنده ظهور چین به‌عنوان یک بازیگر استراتژیک در منطقه‌ای است که از خلأ قدرت ناشی از سیاست عمیقاً گنج‌کننده آمریکا در تحقیر متحدها دیرینه رنج می‌برد سیاستی که از دوره اوباما آغاز شد.